

فقه اقتصاد مقاومتی

حمایت از کالای داخلی

جلسه اول

تاریخ	پنج شنبه / ۰۴ - مهر ماه - ۱۳۹۸
مبحث ارائه شده	مباحث مقدماتی
زمان فایل صوتی	۴۸ دقیقه
حجم فایل صوتی	
مکان	موسسه فرهنگ و تمدن توحیدی

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع بحث

خب بحث ما فقه اقتصاد مقاومتی است. البته رویکرد حمایت از کالای ایرانی. قائدتا
خب بحث چون متفاوت از بحث های متعارف حوزه هست، مثل باب صلاة نیست
که از تحریر یا جاهای دیگر مسائل را شروع کنیم. لذا جلسه اول ضرورت دارد در
خصوص معرفی این بحث صحبتی داشته باشیم.

مخصوصا در موضوعات جدید بحث های فقهی که مطرح می شود، بحث موضوع
شناسی بسیار مهم است. موضوع نسبت به حکم، مانند علت برای حکم است. اگر
موضوع را دقیق بشناسیم می توانیم ارجاع بدهیم به اصل موضوع به خودش و حکم
فقهی اش را استخراج و استنباط کنیم. ولی اگر موضوع و ابعاد و اجزایش درست

شناخته نشود، قطعا در ارجاع فرع به اصل، ممکن است به اشتباه برویم و در نتیجه حکم فقهی ای که از آن استخراج می کنیم، حکم فقهی درستی نباشد.

سطوح مختلف موضوع شناسی

نکته دوم سطوح موضوع شناسی است. چگونه موضوع شناسی بکنیم. در مباحث قبلی عرض کرده ایم که موضوع شناسی را به سه سطح تقسیم می کنیم. با یک مثال روشن ملموس این بحث را مطرح می کنم.

یک وقت موضوعی است بدون توجه به فلسفه ایجادش، و بدون توجه به تحولات تاریخی اش، و بدون توجه به انواع کارکردها و اثرگذاری هایش در حوزه های مختلف زندگی مردم ارائه داده می شود به دستگاه فقه. خب خروجی اش هم از ناحیه دستگاه فقه، به لحاظ احکام وضعی و تکلیفی به کارگیری این پدیده و این موضوع یک مطلبی خواهد بود.

مثال خیلی ملموس برای همه ماها که در جیب شما یا در کارتهایتان وجود دارد، پول است. یک وقتی پول را موضوع شناسی می کنیم ارائه می دهیم به دستگاه فقه و از دستگاه فقه احکامش را می خواهیم. خب بدون توجه به فلسفه ایجادش، تحولات تاریخی اش و بدون توجه به انواع کارکردهایش، در حوزه های فردی، کلان، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ارائه می دهیم به دستگاه فقه. حتما خروجی اش یک چیز مشخصی خواهد شد.

اما همین پدیده را با توجه به این ملاحظات یعنی فلسفه ایجادش، تحولات تاریخی اش و کارکردهایش ارائه می دهیم به دستگاه فقه. حتما خروجی دستگاه فقه به

لحاظ حکم وضعی و تکلیفی انواع به کارگیری این موضوع متفاوت از نوع اول خواهد شد.

دیروز در کمیته فقه معاملات حوزه می گفتند که در بحث موضوع شناسی، مقام معظم رهبری تاکید دارند که بحث ماهیت پول به طور جدی مجدداً مورد دقت قرار بگیرد و بررسی بشود. به رغم این که این همه فتاوا در خصوص انواع روش های به کارگیری پول در سیستم بانکی در رفتارهای فردی وجود دارد.

سطح سوم موضوع شناسی این است که موضوع را می آوریم در داخل نظام اقتصاد اسلام مورد تحلیل و بررسی قرار می دهیم. اولین سوالی که اینجا مطرح می شود این است که آیا این موضوع در نظام جامع اقتصادی اسلام، جایگاهی دارد یا ندارد؟ بحث پول اعتباری، بحث پول های رمز پایه یا رمز ارزها آیا اساساً در نظام اقتصادی اسلام جایگاهی دارد یا ندارد؟ اگر ندارد ما چرا باید خودمان را معطل کنیم؟ یا مثالی که قبلاً هم من زدم، این که بانک، با این ماهیت و پیکره ای که الان هست اگر این را در سه سطح موضوع شناسی کنیم، اگر برسیم به سطح سوم، اولین سوال این است که بانک آیا در نظام اقتصادی اسلام جایگاهی دارد یا ندارد؟ خب این همه هزینه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نصیب این نهاد و ساختار می شود.

پس موضوع دوم در بحث فقه اقتصاد مقاومتی با رویکرد حمایت از کالای ایرانی، بعد از اهمیت موضوع شناسی که عرض کردیم، سطوح موضوع شناسی است. ما تلاشمان بر این است که لا اقل از نوع دوم موضوع شناسی را داشته باشیم. که البته گاهی ممکن است به این نتیجه برسیم این موضوع شناسی وارد سطح سوم موضوع شناسی شده است.

پس عرض کردیم موضوع شناسی سه سطح دارد. سطح اول بدون فلسفه ایجاد موضوع، بدون توجه به کارکردهایش، بدون تحولات ماهیتی، این پدیده را شناسایی می کنیم. به دستگاه فقه می دهیم. انواع احکام وضعی و تکلیفی اش یک خروجی خواهد بود. انواع احکام تکلیفی و وضعی به کارگیری این پدیده. احکام وضعی و احکام تکلیفی.

یک وقت با ملاحظه این مولفه ها موضوع را کنکاش می کنیم و مورد بررسی قرار می دهیم و تجزیه و تحلیل قرار می دهیم. بعد این موضوع را تحویل دستگاه فقه می دهیم. احکام وضعی و تکلیفی اش متفاوت خواهد بود.

در سطح سوم موضوع شناسی اولین سوال این است که اساسا موضوع اگر پدیده اقتصادی باشد، در نظام اقتصادی اسلام جایی دارد یا ندارد؟ ممکن است بگوییم جایگاهی ندارد و کلا دستگاه فقه و جامعه مان را درگیر با این موضوع و ماهیت مشخص نکنیم. یک وقت هست می گوییم جایگاهی دارد. حال جایگاهی دارد، ممکن است با یک تعدیل و اصلاح. یا نه بدون تعدیل و اصلاح این پدیده و این ماهیت باید در نظام اقتصادی اسلام مورد استفاده قرار بگیرد.

خب در درونش ممکن است صدها نوع رفتار اقتصادی وجود داشته باشد یا اینکه ما بتوانیم ایجاد کنیم. که هر یک از آن رفتارها ممکن است حکم تکلیفی و وضعی خاص خودش را داشته باشد که باید مورد بررسی قرار بگیرد.

اهمیت و ضرورت فقه اقتصاد مقاومتی

نکته سوم اهمیت و ضرورت فقه اقتصاد مقاومتی است. همه اقتصاددانان منصف ما معتقدند بعد از بیش از چهل سال از انقلاب، تنها الگوی قابل قبول برای نجات اقتصاد ایران از مشکلات، الگوی اقتصاد مقاومتی است. خب وقتی می گوییم این الگو تنها نسخه نجات بخش اقتصاد ایران است یعنی ویژگی هایی دارد و در درون این الگو هزاران رفتار و رابطه وجود دارد که هر یک از این رفتار و رابطه ممکن است احکام تکلیفی و وضعی داشته باشد. پس دستگاه فقه باید حکم اینها را مشخص بکند.

به عبارت دیگر اگر فقه اقتصاد مقاومتی مثل سایر ابعاد و اجزایش اگر روشن نباشد، ممکن است در عمل به همین الگویی که ما معتقدیم تنها نسخه نجات بخش اقتصاد ایران است، ممکن است به لحاظ فقهی دچار اعوجاجات و مشکلاتی بشویم و بعد یا در اجرای آن موفق نشویم یا بهره کافی از اجرای این الگو نبریم.

لذا به نظر می آید که بحث فقه اقتصاد مقاومتی بحث با اهمیتی است در شرایط فعلی و دستگاه فقهی ما باید این بحث ها را دنبال بکند. حالا یکی از ابعاد این بحث، رویکرد حمایت از کالای ایرانی است که ما آن را در اینجا مورد بحث قرار می دهیم. بحث های فقهی فراوانی در درون این الگو وجود دارد. در بحث توزیع، در بحث تولید، در بحث مصرف. بحث عدالت، مردم بنیانی و درون زایی و برون گرایی و دانش بنیانی و... البته بعضی از ابعادش را دوستان ما دارند کار می کنند. مثلاً فقه دانش بنیانی را یک مجموعه ای دارند کار می کنند. بنده خودم هم نظارت دارم. بحث های عدالت هم همین جور. یکی از بحث هایش که می شود گفت بالاخره به یک خروجی اجمالی رسیده، بحث فقه اقتصاد مقاومتی با رویکرد حمایت از کالای

ایرانی است که ما خدمت شما هستیم متناسب با موضوع و بررسی های فقهی ای که انجام می دهیم. یعنی متناسب با موضوع شناسی ای که اینجا صورت می گیرد.

ارائه مدل های اقتصادی متناسب حمایت از کالای داخلی

و ان شاء الله اگر توفیق پیدا کنیم و بررسی های فقهی ای که صورت می گیرد، مدل های اقتصاد مقاومتی برای حمایت از کالای ایرانی را، متناسب با آن موضوع شناسی و مباحث فقهی، در این جا ارائه می دهیم. و در واقع نشان داده می شود که می توان در چارچوب مولفه های اقتصاد مقاومتی، حمایت از کالای ایرانی را در چارچوب و مدل هایی نهادینه کرد.

بنده معتقدم یکی از خलाهایی که در بحث های فقهی حوزه وجود دارد این است که خروجی این بحث های فقهی نمی آید در رفع مشکلات نظام مورد استفاده قرار بگیرد. من معمولاً این مثال را می زنم شاید ملموس تر باشد برای دوستان.

خب ما می بینیم که یک فقیه ارجمندی مثلاً دو سه سال بحث فقه را مطرح می کند و در پایان سه سالش، تعدادی از مجتهدین پای درسش نشسته اند. خب جا دارد یک لجنه ای از همین آقایان تشکیل بشود، بگویند آقا قوانین وقف را در کل کشور بیاورید چند جلسه ای مورد بررسی قرار بدهیم. یا اصلاً یک سال مورد بررسی قرار بدهند. و کجا بهتر از اینجا که مثلاً در سه سال نزدیک هزار نفر پای درس فقه وقف نشسته اند، تا قوانین وقف را مورد بررسی قرار بدهند و چارچوب های فقهی اش را همین جا بررسی کنند. تحلیل بکنند، نتیجه گیری بکنند، بازسازی کنند. طی یک نامه رسمی از طریق این مرجع تقلید یا این فقیه، از مجاری رسمی حوزه

ارجاع داده بشود به مجلس. که آقا این قانون وقف باید این گونه باشد و دو نفر هم ضمیمه اش بشوند، متصدی اش بشوند. دفاع بکنند در جاهای لازم، در کمیسیون اقتصادی و اجتماعی مجلس. که قانون وقف باید این باشد.

متناسب با این قانون حتی نهاد وقف را باید بازسازی و بازبینی کنند. با توجه به شرایط موجود امروز دنیا. و موضوعات وقف جدیدی که مطرح می شود، باید بیایند در همان جا، موضوعات مستحدثه بحث را مورد بررسی قرار بدهند.

تلاش ما بر این است که اگر توفیق پیدا کنیم و خداوند عمری بدهد، متناسب با موضوع شناسی و بررسی فقهی ای که انجام می دهیم، ان شاء الله مدل های مناسب حمایت از کالای اقتصادی را ارائه می دهیم. و به کمک هم همان مدل ابعاد و اجزایش را بررسی فقهی می کنیم. ببینیم که آیا اساسا این مدلی که ما ارائه می دهیم در چارچوب آن موضوع شناسی و بررسی فقهی هست یا نیست. و اگر هست ابعاد فقهی اش چیست. بررسی فقهی کنیم.

البته اگر دوستان کمک کنند و این مرکز محترم زمینه را فراهم کند، اگر گروهی از همین جمع تشکیل بشوند و کمک کنند، در پایان این دوره ما می توانیم قوانین مزاحم برای حمایت از کالای ایرانی در حوزه های تجاری و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، اینجا تحلیل و بررسی کنیم. بگوییم این قوانینی که الان در جمهوری اسلامی ایران، در بخش های تولید، توزیع و مصرف و قانون تجارت و ... هست، این قوانین مزاحم برای جریان حمایت از کالای ایرانی هستند. در بحث واردات، صادرات، گمرک و اگر یک گروهی از دوستان تشکیل بشود، واقعا آن قانون باید بیاید اینجا مورد بررسی قرار بگیرد. و این قوانین هم از مجاری رسمی اگر بازسازی بشود، قوانین مزاحم حذف بشود و یک مجموعه ای از قوانین تحت عنوان حمایت از

کالاهای ایرانی، از مجاری رسمی حوزوی به مجلس ارائه بشود و به نمایندگان مجلس ارائه شود.

بگوییم قوانین مزاحم در بحث حمایت از کالای ایرانی که بحث بسیار مهمی است، این قوانین است و به این نحو باید اصلاح و تعدیل شود. و اگر گروهی از همین جمع تشکیل بشوند و کمک کنند در پایان این دوره ما می توانیم این کار را انجام بدهیم که خروجی این بحث ها برود برای قانون گذاری و استفاده از این بحث ها در ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران.

وضعیت کنونی اقتصاد کشور

نکته ششم- مستحضر هستید که استکبار جهانی برای مقابله با پیشرفت های روزافزون جمهوری اسلامی ایران، در داخل در حوزه های مختلف به ویژه علمی و قله های علمی و همین طور گسترش انقلاب در خارج از مرزهای ایران، و به ویژه تشکیل جبهه مقاومت بین المللی، توطئه های زیادی از اول انقلاب انجام داد. و برای این که جمهوری اسلامی ایران را به زانو در بیاورد، در نهایت به این نتیجه رسید که آن اراده عمومی که علیه استکبار جهانی شکل گرفت را باید بشکند. لذا کاری که انجام داد این بود که تحریم های قبلی ایران، را مضاعف کرد. در داخل هم به جای این که این تحریم ها مدیریت و هدایت بشود، و این تهدید را به فرصت تبدیل کنند، متأسفانه با کاستی هایی که در درون ایران وجود داشت، این تحریم ها تبدیل به جنگ اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران شد.

در مقابل این جریان مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی را به عنوان مقابله با این جنگ تمام عیار اقتصادی مطرح کردند.

پس این مسئله از جهت این که از ناحیه مقام معظم رهبری هم ارائه شد، بحث مهمی است. اگر ما بتوانیم در مقابل این فشارهایی که به ما آورده می شود، جریان تولید را در چارچوب موازین اسلامی و فقهی در جمهوری اسلامی ایران درست پیگیری کنیم، این جنگی که علیه ما به عنوان یک تهدید حساب می شود، حتماً تبدیل به فرصت خواهد شد.

تعابیر رهبری در رابطه با حمایت از تولید داخلی

نکته هفتم- تعبیرهایی که مقام معظم رهبری درباره تقویت تولید داخلی و ملی بیان می کنند. و ارتباط تولید داخلی و ملی با حمایت از کالای ایرانی را خدمتتان عرض می کنم و وارد بحث های بعدی می شویم.

رهبری در مورد تولید داخل، عبارات زیر را به کار برده اند:

- رمز سعادت ملت،
- تامین کننده امنیت ملی،
- اقتدار و پیشرفت،
- جهاد فی سبیل الله^۱،

^۱ تولید در یک گستره ی وسیع باید شعار ملت باشد. تولید کار، تولید علم، تولید فناوری، تولید ثروت، تولید معرفت، تولید فرصت، تولید عزت و منزلت، تولید کالا و تولید انسانهای کارآمد؛ اینها همه تولید است. رمز سعادت ملت ما در این است که در این گستره ی وسیع، هم دولت و هم ملت، بر این تولید همت بگذاریم. این تأمین کننده ی امنیت ملی و اقتدار و پیشرفت کشور است؛ این یک جهاد است (بیانات در صحن جامع رضوی، ۱/۰۱ / ۱۳۸۵).

- اساس اقتصاد و قائمه اقتصاد^۲،
 - مهمترین بخشی که می‌تواند یک شکوفایی پایدار بوجود بیاورد^۳،
 - اساس و حلقه اساسی پیشرفت اقتصاد^۴
 - و یکی از دو عنصر پیشرفت مادی کشور^۵
- چون با تقویت تولید ملی، ایجاد اشتغال می‌شود و بیکاری از بین می‌رود. تولیدات زیاد می‌شود و قیمت‌هایی که به خاطر کمبود بعضی از تولیدات، روبه افزایش است کنترل خواهد شد.
- نکته اینجاست که زمانی تولید داخلی تقویت می‌شود و پایدار خواهد ماند، که حمایت از کالاهای تولید شده اتفاق بیفتد. اگر در کشور تولید اتفاق بیفتد اما حمایت از کالای ایرانی از ناحیه مردم و از ناحیه نهادهای دولتی و حاکمیتی، اتفاق نیفتد، آن تولید به جریان پایدار در کشور تبدیل نخواهد شد.

سوال- حمایت قبل از تولید یا بعد از تولید؟

پاسخ- هم قبل از تولید، هم حین تولید، هم بعد از تولید.

^۲ تولید، اساس اقتصاد است؛ قائمه‌ی اقتصاد در کشور است (بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور، ۲۶/۱۳۹۰/۰۵).

^۳ برای اقتصاد یک کشور، مهم‌ترین بخشی که می‌تواند یک شکوفایی پایدار را به وجود بیاورد، تولید است (بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه، ۸/۰۱/۱۳۹۰).

^۴ تولید ملی، اساس و حلقه‌ی اساسی پیشرفت اقتصاد است (بیانات در حرم رضوی، ۱/۱/۱۳۹۳).

^۵ پیشرفت مادی کشور در درجه‌ی اول، متوقف بر دو عنصر است: یک عنصر، علم است؛ یک عنصر، عنصر تولید است (بیانات در دیدار کارگران نمونه سراسر کشور، ۸/۰۲/۱۳۸۹).

اما اینکه بحص فقهی ای که ما اینجا داریم، که حمایت از کالای ایرانی چیست، در ادامه بحث می کنیم.

منظور ما از حمایت، حمایت از کالای تولید شده است. اصل حمایت، هم قبل از تولید است، هم حین تولید است، هم بعد از تولید. اما این بحثی که ما الان داریم، حمایت از کالای تولید شده است. اگر حمایت لازم از کالای تولید شده اتفاق نیفتد، نتیجه اش رکود خواهد شد. اگر کالای تولید ایرانی به معنای واقعی مورد حمایت و مصرف قرار نگیرد و مصرف پایدار -چه توسط ایرانی، چه غیر ایرانی- اتفاق نیفتد، خب انبارها پر از تولید می شود. تولید کننده اگر توان فروش ندارد، توان هزینه های تولیدی را ندارد. بنگاه تولیدی تعطیل می شود. نیروی کار، بی کار می شود. درآمدها کاهش پیدا می کند و اقتصاد با رکود مواجه می شود. و رکود آثار و تخریبش بیش از تورم است. اگر یک درصد ما رکود داشته باشیم... البته بنده کار تحقیقی و علمی و آماری نکرده ام ولی قطعاً به اندازه پنج درصد تورم برای اقتصاد ضرر دارد.

سوال- مشکل اصلی ما این است که به تولید نمی رسیم یا مشکل ما بعد از تولید است که نمی توانیم به مصرف درست برسانیم؟

پاسخ- من فکر می کنم ما در هر دو جهتش مشکل داریم. یعنی هم به تولید درست نمی رسیم. و هم از کالای تولید شده درست حمایت نمی کنیم. حالا بحث ما در قسمت دوم است. یعنی حمایت از کالای ایرانی یعنی کالای تولید شده که در ادامه توضیح می دهیم.

موضوع اصلی؛ بررسی فقهی حمایت از کالای داخلی

پرسش اصلی فقهی ای که می خواهیم بحث کنیم تا ابعادش و پاسخش روشن شود این است. در طول مدتی که با هم بحث داریم یک سال یا بیشتر یا کمتر، پرسش اصلی ما این است که با توجه به شرایط فعلی اقتصاد ایران (جنگ تمام عیار اقتصادی که متوجه ملت ماست) – این را به شما عرض کنم که این جنگ تمامی ندارد – این جنگ تا زمانی که جمهوری اسلامی ایران هست، و ان شاء الله هست و به دست صاحب اصلی اش سپرده خواهد شد، ادامه پیدا خواهد کرد. کما این که جنگ نظامی، سیاسی و فرهنگی ادامه پیدا کرد. البته اگر دست دشمن برسد. که الان الحمد لله با توجه به شرایط جمهوری اسلامی، تقریباً احتمال جنگ نظامی صفر است. اما جنگ های فرهنگی، جنگ های سیاسی، جنگ های اقتصادی به شدت دنبال خواهد شد. روز به روز از آن طرف گسترش پیدا خواهد کرد و ان شاء الله هر روز دفاع ما قوی تر خواهد شد و دشمن را وادار به عقب نشینی خواهد کرد.

پس سوال اصلی فقهی این است « با توجه به شرایط فعلی اقتصاد ایران – جنگ تمام عیار اقتصادی که متوجه ملت ما است – حکم فقهی حمایت از کالای ایرانی و پرهیز از مصرف کالاهای خارجی چیست و چگونه می توان حمایت از کالای ایرانی و نیز پرهیز از مصرف کالاهای خارجی را در چارچوب موازین فقهی محقق نمود؟

برای این که پاسخ این سوال را بدهیم باید اول اجزایی را به عنوان موضوع شناسی این بحث روشن کنیم. عمدتاً بحث موضوع شناسی است.

چیستی کالای ایرانی

فرض کنید ما به این نتیجه رسیدیم که حمایت از کالای ایرانی به لحاظ حکم تکلیفی واجب است بر تک تک مردم ایران و بر شخصیت های حقوقی و حقیقی. خوب خود کالای ایرانی اصلاً چیست؟ ما طیف گسترده ای از کالاهای ایرانی داریم. اول باید این را مشخص کنیم تا به قول معروف سر بی صاحب نتراشیم.

یک نظر این است که کالای ایرانی آن کالایی است که طراحی اش در ایران توسط نیروی کار ایران صورت گرفته باشد.

نظر دیگر این که تولیدش توسط سرمایه و نیروی کار ایرانی در درون مرزهای ایرانی تولید شده باشد. و آن نام تجاری ها مال ایران باشد. در واقع همه مشخصه ها برای ایران باشد. حتی مواد اولیه هم مال ایران باشد.

نوع کامل و شاخص کالای ایرانی این است.

نظر دیگر این است که اگر طراحی اش در ایران نباشد، یا ایده تولیدی و اختراع و ابتکاری در ایران نباشد. که این کالا به عنوان یک کالای جدید تولید می شود و بعد در فرایند نیازهای مردم قرار می گیرد و در فرایند استفاده و نهادهای دیگر قرار بگیرد. اگر ایده در ایران نباشد، اما سایر مراحلش در ایران اتفاق بیفتد.

و همین جور شما این را به صورت ماتریسی، در نظر بگیرید و شکل های مختلف ظاهر می شود. مثلاً نیروی کار ایرانی باشد کافی است. مواد اولیه ایرانی باشد کافی است. بقیه اگر نباشد مشکلی نیست. یا مونتاژش در ایران باشد کافی است بقیه اگر

نباشد مشکلی نیست. یا نام تجاری ایرانی داشته باشد کافی است. پس طیف گسترده ای از کالاها را می توان گفت کالای ایرانی.

حالا ما می خواهیم بحث فقهی بکنیم. موضوع کدام موضوع باید باشد؟ این بحث را ما باید روشن بکنیم. ان شاء الله در جلسات آینده.

چیستی کالای خارجی

نکته دوم- مقصود از کالای خارجی چیست. خب ما می گوئیم کالای خارجی که مشابه ایرانی داشته باشد یا نه کالای خارجی ای که مشابه ایرانی هم نداشته باشد ولی ضرورتی هم برای مصرفش در هنگام جنگ اقتصادی نباشد. ممکن است ما به این نتیجه برسیم معنای حمایت از کالای ایرانی این است که کالای خارجی که مشابه داخلی داشته باشد، اگر خرید، وارد و مصرف بشود حرام است. اگر بر فرض به این نتیجه برسیم.

خب منظور از این کالای خارجی چه کالایی است؟

دسته بندی کشورهای خارجی

کالایی که در کشور آمریکا و رژیم صهیونیستی دارند تولید می کنند؟ کالاهای کشورهای اروپایی؟

کشورهای غیر اسلامی به چند دسته تقسیم می شوند:

- کشورهایی مثل آمریکا و اسرائیل که رسماً جزء کفار حربی حساب می

شوند. هم در حوزه نظامی، هم فرهنگی، هم سیاسی هم اقتصادی. این ها

الان فرصت پیدا کنند قطعاً از حمله نظامی کوتاه نخواهند آمد. همین الان

هم عوامل خودشان را فرستاده اند و در جنگ نظامی با ما هستند. کافر
حربی هستند.

- دسته دوم از کشورهای غیر اسلامی، کشورهای اروپا هستند. که خواسته
یا ناخواسته دارند با جنگ افروزانی که علیه ما جنگ افروزی می کنند
همراهی می کنند.

- یک دسته کشورهای غیر اسلامی مثل چین و روسیه داریم. خب اینها هم
کشورهای غیر اسلامی اند.

منظور ما از این که کالاهای خارجی مصرف نکنیم و آن کالای خارجی هم از
کشورهای غیر اسلامی باشند، آیا مثل چین و روسیه هم است؟
در کشورهای اسلامی:

- بعضی از کشورهای اسلامی مثل امارات و عربستان نوکر جنگ افروزان شده
اند و همراهی می کنند با جنگ افروزان. خب اینها چطور؟ کالاهایی که با
نام تجاری اینها تولید می شود چطور؟

اگر به این نتیجه برسیم که برای حمایت از کالاهای ایرانی باید از کالاهای
خارجی پرهیز بکنیم و این پرهیز هم واجب باشد و مصرفش حرام باشد، این
شامل کشورهای اسلامی می شود.

- دسته پنجم کشورهای اسلامی مثل ترکیه و مالزی و اندونزی و پاکستان
و امثال اینها. این که ما می گوییم حمایت از کالاهای ایرانی باید صورت
بگیرد، آیا مقصود این است که کالاهای کشورهای اسلامی هم مصرف
نکنیم؟

- دسته ششم کشورهای جبهه مقاومت. کالاهایی که در لبنان و سوریه و عراق و یمن و ... تولید می شود. حکم کالاهای این ها چطور است؟ برای حمایت از کالای ایرانی باید بگوییم از اینها هم باید پرهیز کنیم و اگر مصرف کالاهای خارجی در جنگ اقتصادی به خاطر آن آثار و پیامدهایی که می شماریم و با توجه به موضوع شناسی ای که می کنیم حرام است؟ پس ما شش طیف از کالاهای خارجی داریم. البته ممکن است تقسیم بندی های دیگری داشته باشیم. خود این هم مسئله مهمی است که ما اگر این را روشن نکنیم، بعد ممکن است یک نظر فقهی بدهیم بعد ببینیم به قول معروف داریم گل به خودی می زنیم. یعنی کشورهای که از باب تعاونوا علی البر و همبستگی اجتماعی و اخوت و برادری که باید با اینها در یک جبهه بود حکم دیگری بدهیم. ممکن است اینجا بگوییم همان طور که در جبهه نظامی یک جبهه مقاومت تشکیل دادیم، واجب است یک جبهه مقاومت اقتصادی شکل بگیرد. پس بنابراین اگر موضوع شناسی درست اتفاق نیفتد ممکن است ما باز به اشتباه برویم.

چیستی حمایت

پرسش فرعی دیگر- منظور از حمایت از کالای ایرانی چیست؟ اساسا حمایت یعنی چه؟ این را هم باید ابعادش را روشن کنیم. تا حکم فقهی دقیقا به دنبال همان موضوع برود.

آثار مصرف کالای خارجی

پرسش دیگر- آثار و پیامدهای مصرف کالاهای خارجی در شرایط فعلی چیست؟

این که عرض کردیم موضوع شناسی را یک وقتی با آثار و پیامدها و کارکردهایش در نظر می گیریم و یک وقت بدون این مسئله. اگر این مسئله را توجه نکنیم، ممکن است در حکم فقهی به اشتباه برویم.

آثار مصرف کالای داخلی

آثار و پیامدهای مصرف کالاهای داخلی چیست؟

این شش سوال که عرض کردیم، مربوط به موضوع شناسی می شود.

حکم مصرف کالای خارجی

سوالات فرعی دیگر مربوط به حکم فقهی می شود. وقتی می گوئیم حکم فقهی اعم از وضعی و تکلیفی است. حتی در بعضی شرایط ممکن است بگوئیم که هم حکم تکلیفی حرمت و هم حکم وضعی بطلان. اصلاً ممکن است از اساس معامله باطل باشد.

- حکم فقهی مصرف کالاهای خارجی در شرایط فعلی بر اساس ادله اولیه و

ثانویه چیست؟

حکم فقهی کالاهای خارجی به نحو کلی. چه مشابه داخلی داشته باشند، چه مشابه داخلی نداشته باشند.

حکم مصرف کالای خارجی که مشابه داخلی دارند

- حکم فقهی واردات و مصرف کالاهایی که مشابه داخلی دارند بر اساس ادله

اولیه و ثانویه چیست؟

حکم مصرف کالای داخلی

- حکم فقهی مصرف کالاهای داخلی در شرایط جنگ اقتصادی بر اساس ادله اولیه و ثانویه چیست؟

حالا اگر ما در خصوص کالاهای خارجی به نتایج خاصی رسیدیم، این لازمه اش این است که ما حتما از کالاهای داخلی خودمان مصرف کنیم و مصرف کالاهای داخلی در این شرایط با توجه به آثار و پیامدهایی که الان در شرایط اقتصادی از خودش به جا می گذارد، حکم فقهی اش بر اساس ادله اولیه و ثانویه چیست.

پس سوال اصلی فقهی را مطرح کردیم. اگر بخواهیم آن درست بشود، این نه تا سوالی که مطرح کردیم، که شش تایش مربوط به موضوع شناسی است و سه تایش مربوط به حکم است باید روشن شود. تا در مجموع بحث فقهی حمایت از کالای ایرانی که ذیل اقتصاد مقاومتی قرار می گیرد روشن خواهد شد.

جنگ اقتصادی از دیدگاه رهبری

مطلب دهم- تبیین جنگ اقتصادی بر اساس بیان رهبری معظم
 ببینیم رهبری معظم که بحث جنگ اقتصادی را مطرح کردند و به دنبالش بحث اقتصاد مقاومتی و حمایت از کالای ایرانی را مطرح کردند، چگونه بیان کرده اند.
 - در ابتدای سال ۱۳۸۶: «من برنامه های استکبار جهانی علیه ملت ایران را در سه جمله خلاصه می کنم: اول، جنگ روانی؛ دوم، جنگ اقتصادی؛ و سوم، مقابله

با پیشرفت و اقتدار علمی. می‌خواهند ملت ایران را از لحاظ مسائل اقتصادی در تنگنا قرار دهند»^۶

- در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۲: «کشور امروز ... درگیر جنگ اقتصادی است، ... همین قدر که ندانید دشمن در صدد حمله است و این حمله از کجا است و چگونه است، باید مطمئن باشید، شکست می‌خورید».

این نکته خیلی مهم است. همین قدر که ندانید دشمن در صدد حمله است شکست می‌خورید. حالا تفاوت جنگ اقتصادی با جنگ‌های دیگر را بررسی می‌کنیم.

- در بیست اسفند ۱۳۹۲: «تحریم‌ها از قبل بود، منتها این تحریم‌ها از حدود زمستان سال ۹۰ تا امروز، تبدیل شده به جنگ اقتصادی، دیگر اسم آن تحریم هدفمند نیست، یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است».

اگر حالا به ما بگویند امریکا تجاوز کرده به مرزهای جنوب یا غرب یا شرق، خب همه مان تکلیف خودمان را می‌دانیم که چه کار باید بکنیم. اما در این جنگ اقتصادی که آقا می‌فرماید از سال ۹۰ [شروع شده]، در طول این هشت سال ما چه کار کرده ایم؟ لباس رزم ما کو؟! چکمه و پوتین ما کو؟! اسلحه ما کو؟!

- در تاریخ ۲۷ بهمن ۱۳۹۵: «جنگ واقعی چیز دیگر است؛ جنگ واقعی جنگ اقتصادی است، جنگ واقعی تحریم است، جنگ واقعی گرفتن عرصه‌های کار و

۶. بیانات در حرم رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱.

فعالیت و فناوری در داخل کشور است؛ این جنگ واقعی است. ما را به جنگ نظامی متوجه می‌کنند تا از این جنگ غفلت کنیم».

- در تاریخ دهم اردیبهشت ۱۳۹۷: «اتاق جنگ آمریکا علیه ما عبارت است از وزارت خزانه‌داری آمریکا که همان وزارت اقتصاد و دارایی‌شان است» که البته در مقابل آن یک چیزی در جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد ولی ما خیلی رزمنده در آن ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی نمی‌بینیم. و یا این که واقعا درک روشنی از جنگ اقتصادی داشته باشند.

فرق اساسی جنگ اقتصادی با جنگ نظامی

ما باید این را درست تشخیص بدهیم بعد وارد مباحث فقهی بشویم. در واقع باید ببینیم دشمن برای چه علیه ما جنگ اقتصادی ایجاد کرده است؟ جنگ اقتصادی ایجاد کرده است که این اراده پولادینی که بیش از چهل سال در مقابل دشمنان قد علم کرده، همانند سرو مانده و سر خم نمی‌کند را بشکند. در واقع جنگ اقتصادی به معنای واقعی جنگ اراده هاست. در جنگ اراده‌ها دشمن تلاش می‌کند اراده مردم را بشکند. که البته اگر موفق به شکستن اراده مردم نشود، اراده برخی از مسئولین سست عنصر را بشکند. و بعد توسط خود آن مسئولین سست عنصر و سست اراده، ملت را به پای مذاکره ای بنشانند که اراده خودش را بر ملت و مسئولین تحمیل کند. البته با کم و زیادش الان شما می‌بینید.

همین الان هم بعضی ها هنوز بحث مذاکره را مطرح می کنند. آقا هم فرموده اند این مذاکره نتیجه اش همسو کردن اراده مسئولین و مردم با خودشان است. اگر این اراده ملت و اراده و مسئولین همسو بشود با دشمنان، خب فاتحه انقلاب خوانده است دیگر!

اما نکته مهم این است که آقا فرمود: همین قدر که ندانید دشمن در صدد حمله است و این حمله از کجا است و چگونه است، باید مطمئن باشید، شکست می خورید. اساسا فهم و درک جنگ اراده ها و جنگ اقتصادی مشکل است. آقا هم این تعبیر را دارد می آورد، دارد هشدار می دهد که فهم این مسئله و این جنگ کار آسانی نیست. فهم جنگ اراده ها کار سختی است.

ابزار مناسب برای جنگ اراده ها که امروز از طریق اقتصادی با ما اتفاق افتاده است، شناخت ابزار مناسب کار دقیق و سختی است. گاهی ممکن است ما خیال کنیم که داریم با دشمن مقابله می کنیم. ولی با تئوریه های اقتصادی دشمن داریم می رویم به جنگ دشمن. خب معلوم است او پیشاپیش ما را کشانده به میدان خودش که صدمه به خودمان بزنیم. و بعد از شناخت ابزار، به کارگیری آن ابزار در موقع و لحظه مناسب باز کار مهم است.

پس درک جنگ اراده ها کار آسانی نیست. فهم و درک ابزار مناسب برای دفاع در جنگ اراده ها کار آسانی نیست. به کارگیری این ابزار، به لحظه و به موقع کار دقیقی است. البته در جنگ اراده ها، هر طرفی پیروز بشود، این پیروزی اش فوق العاده با دوام تر است نسبت به جنگ نظامی. و هر طرفی شکست بخورد، باز همین جوری است. چون اساسا جنگ پشت جنگ اراده ها، تغییر ذهن و فکر است. ذهن ها و فکرها تغییر می کند.

یعنی همسویی اراده ملت و مسئولین با دشمنان در جنگ اراده ها، تبدیل به سبک زندگی می شود. و تبدیل به سبک زندگی اقتصادی می شد. اگر یک امری تبدیل به سبک زندگی اقتصادی یا سیاسی یا اجتماعی بشود، بسیار با دوام است. هم شکست و هم پیروزی اش دوام بسیار بیشتری نسبت به پیروزی های نظامی دارد.

لذا فرق جنگ اقتصادی با جنگ نظامی یکی از بحث هایی است که باید به آن توجه داشت. که ان شاء الله به عنوان بحث های موضوع شناسی بتوانیم در آن بحث فقهی اش درست استفاده کنیم.

فرمانده و مجاهد روحید